

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

# مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی سنایی و

## خاقانی

استاد راهنما :

دکتر احمد خواجه‌ایم

استاد مشاور:

دکتر عباس محمدیان

پژوهشگر:

معصومه پیر

شهریور ۱۳۹۲



## سوگندنامه‌ی دانش‌آموختگان دانشگاه حکیم سبزواری

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه بر نگذرد

اینک که به خواست آفریدگار پاک، با کوشش خویش و بهره‌گیری از دانش استادان و سرمایه‌های مادی و معنوی این مرز و بوم، توشه‌ای از دانش و خرد گرد آورده‌ام، در پیشگاه خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که در به‌کارگیری دانش خویش، همواره بر راه راست و درست گام بردارم. خداوند بزرگ، شما شاهدان، دانشجویان و دیگر حاضران را به عنوان داورانی امین گواه می‌گیرم که از همه‌ی دانش و توان خود برای گسترش مرزهای دانش بهره‌گیرم و از هیچ کوششی برای تبدیل جهان به جایی بهتر برای زیستن، دریغ نورزم. پیمان می‌بندم که همواره کرامت انسانی را در نظر داشته باشم و هم‌نوعان خود را در هر زمان و مکان تا سر حدّ امکان یاری دهم. سوگند می‌خورم که در به‌کارگیری دانش خویش، به‌کاری که با راه و رسم انسانی، آیین پرهیزگاری، شرافت و اصول اخلاقی برخاسته از ادیان بزرگ الهی، به ویژه دین مبین اسلام، مبادینت دارد دست نیازم. همچنین در سایه‌ی اصول جهان شمول انسانی و اسلامی، پیمان می‌بندم از هیچ کوششی برای آبادانی و سرافرازی میهن و هم‌میهنانم فروگذاری نکنم و خداوند بزرگ را به یاری طلبم تا همواره در پیشگاه او و در برابر وجدان بیدار خویش و ملت سرافراز، بر این پیمان تا ابد استوار بمانم.

معصومه پیر

# تقدیم به

پدر گرانقدر و مادر مهربانم

## سپاسگزاری

حمد و سپاس بی‌پایان به درگاه خداوند بی‌همتا و درود فراوان بر روح پاک سرور عالمیان محمد مصطفی (ص).

اکنون که به یاری خداوند کارساز، بنده‌نواز، کار تألیف این پایان‌نامه سامان یافته است، بر خود واجب می‌دانم از تمام فرهیختگانی که در مسیر تعالی علم و دانش و در نگارش این پایان‌نامه یاری گرم بودند، قدردانی نمایم.

محضر استاد محترم جناب آقای دکتر احمد خواجه‌ایم، که به عنوان استاد راهنمای این تحقیق، با متانت، زحمات فراوان را تقبل و با نکته‌سنجی مرحله به مرحله در امر تحقیق، حقیر را همراهی نمودند و ادای دین مرا دشوارتر کردند.

محضر استاد محترم مشاور جناب آقای دکتر عباس محمدیان، که زحمت مرور این پایان‌نامه را با گشاده‌رویی پذیرا بودند و با ارائه‌ی نظرات اصلاحی مرا مرهون لطف خود قرار دادند. در پایان از تمامی دوستان و بزرگوارانی که هر یک به نوعی مرا در ارائه‌ی این تحقیق رهین منت خود قرار دادند، سپاسگزارم و دوام عمر همه‌ی بزرگواران را به دعا می‌خوانم.



فرم چکیده‌ی پایان‌نامه‌ی دوره‌ی تحصیلات تکمیلی

دفتر مدیریت تحصیلات تکمیلی

ش دانشجویی: ۸۹۲۳۳۲۱۰۵۷	نام: معصومه	نام خانوادگی دانشجو: پیر
استاد مشاور: دکتر عباس محمدیان		استاد راهنما: دکتر احمد خواجه ایم
گرایش: محض	رشته: زبان و ادبیات فارسی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی
تعداد صفحات: 284	تاریخ دفاع: ۱۳۹۲/۶/۱۸	مقطع: کارشناسی ارشد

عنوان پایان‌نامه: مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی سنایی و خاقانی

### چکیده:

این پایان‌نامه پژوهشی است درباره‌ی مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی سنایی (۵۲۹ ه.ق) و خاقانی (۵۹۵ ه.ق)، از آن‌جا که خاقانی خود را بدیل سنایی می‌داند و وی را استاد خود معرفی می‌کند، پس خاقانی از استاد معنوی خود تأثیر پذیرفته است. این پژوهش بر آن است تا ضمن مقایسه‌ی این دو شاعر در زمینه‌هایی هم‌چون، اندیشه‌های اجتماعی، اندیشه‌های عرفانی، اندیشه‌های دینی، جریان‌های فکری و شعری آنان، صورخیال، مدیحه‌سرایی، تأثیر و تأثرات و جهان‌بینی آنان و سه موضوع خدا و انسان و عشق، شعر ایشان را مورد بررسی قرار دهد و به نقد و تحلیل مقایسه‌ای شعر و اندیشه‌ی این دو شاعر بزرگ بپردازد؛ تا از این رهیافت، علاوه بر تبیین دیدگاه‌های هر دو، این نتیجه به دست آید که اندیشه‌ی خاقانی (۵۹۵ ه.ق)، تا چه میزان متأثر از افکار و اندیشه‌های سنایی (۵۲۹ ه.ق) بوده است. دستاورد این پژوهش آن است که روشن سازد؛ به اعتبار تأثیرپذیری خاقانی از سنایی، همانندی‌های بسیاری میان اندیشه‌های دو شاعر دیده می‌شود. اما به فراخور تفاوت دوره و زیستگاه دو شاعر تفاوت‌هایی نیز در اندیشه‌های این دو تن به چشم می‌خورد.

نتایج این پژوهش دربردارنده‌ی تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو شاعر در موضوعات یاد شده می‌باشد. این پایان‌نامه از یک پیشگفتار، مقدمه، چهار فصل که هر کدام شامل چندین بخش می‌باشد؛ تشکیل شده و 163 صفحه را دربر گرفته است که در تدوین آن از ۱۳۷ منبع بهره برده‌ایم.

واژگان کلیدی: خاقانی، سنایی، شعر، عرفان، مضامین مدحی، جهان‌بینی، خدا، انسان، عشق.

امضای استاد راهنما:

صفحه	عنوان
۵-۱	• مقدمه.....
۲-۲۲	فصل اول: کلیات.....
۲-۱۱	بخش اول: شرح احوال سنایی.....
۱۲-۲۲	بخش دوم: شرح احوال خاقانی.....
	فصل دوم:
۲۳-۳۷	• بخش اول: اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی سنایی و خاقانی.....
۲۳	۱. وضع سیاسی عصر سنایی.....
۲۵-۲۸	۲. تجلی اوضاع سیاسی در شعر سنایی.....
۲۸-۲۹	۳. وضع اجتماعی عصر سنایی.....
۲۹-۳۴	۴. تجلی اوضاع اجتماعی در شعر سنایی.....
۳۴-۳۶	۵. وضع سیاسی در عصر خاقانی.....
۳۶	۶. وضع اجتماعی در عصر خاقانی.....
۳۷	۷. تجلی اوضاع سیاسی در شعر خاقانی.....
۳۷-۴۰	۸. تجلی اوضاع اجتماعی در شعر خاقانی.....
۴۱-۵۵	• بخش دوم: اندیشه‌های عرفانی سنایی و خاقانی.....
۵۶-۶۲	• بخش سوم: اندیشه‌های دینی سنایی و خاقانی.....
	فصل سوم:
۶۴-۶۸	• بخش اول: جریان‌های فکری عصر سنایی.....
۶۹-۷۶	• بخش دوم: جریان‌های فکری عصر خاقانی.....
۷۷-۸۴	• بخش سوم: جریان‌های شعری عصر سنایی.....
۷۸-۹۴	• بخش چهارم: جریان‌های شعری عصر خاقانی.....
	فصل چهارم:

- بخش اول: سنایی؛ تأثیر و تأثرها..... ۱۰۴-۱۲۳
  ۱. کاربرد آیات قرآن در آثار سنایی..... ۱۰۴-۱۰۶
  ۲. سنایی و نهج البلاغه..... ۱۰۷-۱۰۸
  ۳. سنایی و احادیث..... ۱۰۸-۱۰۹
  ۴. سنایی و غزالی..... ۱۱۰
  ۵. سنایی و خیام..... ۱۱۰-۱۱۲
  ۶. تأثیر سنایی از آثار و اشعار متقدمان
    - ۱.۶. سنایی و رودکی..... ۱۱۲
    - ۲.۶. سنایی و فردوسی..... ۱۱۲
  ۷. تأثیر عرفان اسلامی بر سنایی..... ۱۱۲-۱۱۳
  ۸. تأثیر اندیشه‌های ملامتی و قلندری در شعر سنایی..... ۱۱۳-۱۱۴
  ۹. تأثیرگذاری‌ها
    - ۱.۹. سنایی و مولوی..... ۱۱۴-۱۱۵
    - ۲.۹. سنایی و عطار..... ۱۱۵-۱۱۷
    - ۳.۹. سنایی حافظ..... ۱۱۷-۱۱۹
    - ۴.۹. سنایی و خاقانی..... ۱۱۹-۱۲۳
- بخش دوم: خاقانی؛ تأثیر و تأثرها..... ۱۲۴-۱۳۶
  ۱. خاقانی و قرآن..... ۱۲۴-۱۲۷
  ۲. خاقانی و نهج البلاغه..... ۱۲۷-۱۲۸
  ۳. خاقانی و احادیث..... ۱۲۸-۱۲۹
  ۴. تأثیر خاقانی از آثار و اشعار متقدمان
    - ۱.۴. خاقانی و رودکی..... ۱۲۹-۱۳۰
    - ۲.۴. خاقانی و فردوسی..... ۱۳۰
    - ۳.۴. خاقانی و سنایی..... ۱۳۱
    ۵. تأثیر پذیری خاقانی از شعرای عرب
      - ۱.۵. خاقانی و بُحتری..... ۱۳۱
      - ۲.۵. خاقانی و صنوبری..... ۱۳۲



۶. تأثیر عرفان گذشته بر خاقانی ..... ۱۳۲
۷. تأثیر فتنه‌ی غز در شعر و اندیشه‌ی خاقانی ..... ۱۳۲-۱۳۳
۸. تأثیر اندیشه‌های قلندرانه در شعر خاقانی ..... ۱۳۳-۱۳۷
۹. تأثیر‌گذاری‌ها
- ۱.۹. خاقانی و عطار ..... ۱۳۴-۱۳۵
- ۲.۹. خاقانی و حافظ ..... ۱۳۵-۱۳۶
- بخش سوم: مقایسه‌ی شعر و هنر سنایی و خاقانی ..... ۱۳۷-۱۵۴
۱. آگاهانه‌سرایی سنایی و خاقانی ..... ۱۳۷
۲. سنایی شاعری نوآور و دوران‌ساز؛ لکن خاقانی شاعری مبتکر ..... ۱۳۷-۱۴۰
۳. سنایی شاعری منتقد از اهل روزگار؛ خاقانی شاعری شاکی از اهل روزگار ..... ۱۴۰-۱۴۲
۴. موسیقی شعر ..... ۱۴۲-۱۴۸
- ۱.۴. موسیقی بیرونی (وزن) ..... ۱۴۲-۱۴۲
- ۲.۴. موسیقی کناری (قافیه و ردیف) ..... ۱۴۳-۱۴۵
- ۳.۴. موسیقی درونی (تکرار صامت‌ها و مصوت‌ها) ..... ۱۴۵-۱۴۶
- ۴.۴. موسیقی معنوی (ارتباط پنهانی عناصر یک بیت) ..... ۱۴۷-۱۴۸
۵. نگاهی گذرا بر قالب‌های شعری سنایی و خاقانی ..... ۱۴۸-۱۵۰
۶. صورخیال ..... ۱۵۱-۱۵۴
- بخش چهارم: مقایسه‌ی نگرش عارفانه و شاعرانه‌ی سنایی و نگرش شاعرانه‌ی سنایی
۱. سنایی شاعری عارف؛ خاقانی شاعر هنرمند ..... ۱۵۵
۲. زهدورزی در نگرش سنایی و خاقانی ..... ۱۵۵-۱۵۷
۳. دنیا در نظر سنایی و خاقانی ..... ۱۵۸-۱۶۷
- بخش پنجم: بررسی مضامین مدحی در شعر سنایی و خاقانی ..... ۱۶۸-۱۷۷
۱. انواع مدیحه ..... ۱۶۸
۲. ویژگی‌های مدایح سنایی ..... ۱۶۸-۱۷۳
۳. ویژگی‌های مدایح خاقانی ..... ۱۷۳-۱۷۴
۴. روابط سنایی با شاهان ..... ۱۷۴
۵. روابط خاقانی با شاهان ..... ۱۷۴-۱۷۵

## فصل پنجم:

- بخش اول: بررسی مفهوم خدا در اندیشه‌ی سنایی و خاقانی.....۱۷۹-۱۹۳
  ۱. ابزار شناخت از دیدگاه متفکران(فلاسفه، متکلمین، عرفا).....۱۷۹
  ۲. مبانی شناخت خدا در نزد سنایی و خاقانی.....۱۷۹-۱۸۸
  ۳. امکان خداشناسی نزد سنایی و خاقانی.....۱۸۸
  ۴. وحدت وجود در نزد سنایی.....۱۸۹
  ۵. اسما و نام‌های خداوند در شعر سنایی و خاقانی.....۱۹۰-۱۹۱
- بخش دوم: بررسی هستی و جهان‌بینی سنایی و خاقانی..... ۱۹۲-۲۰۱
  ۱. سبب آفرینش.....۱۹۲
  ۲. چگونگی آفرینش و مراتب وجود در شعر سنایی و خاقانی.....۱۹۲-۱۹۸
  ۳. تجلی در شعر سنایی.....۱۹۸-۱۹۹
  ۴. نظام احسن در نزد سنایی.....۱۹۹-۲۰۱
- بخش سوم: بررسی مفهوم انسان در اندیشه‌ی سنایی و خاقانی.....۲۰۲-۲۱۸
  ۱. خودشناسی.....۲۰۲-۲۰۴
  ۲. مقام انسان در آفرینش.....۲۰۴
  ۳. آفرینش انسان.....۲۰۵-۲۰۶
  ۳. کرامت و شرافت انسان.....۲۰۶-۲۰۹
  ۴. انسان‌شناسی.....۲۰۹
  - ۱.۴. نفس در نگاه سنایی و خاقانی.....۲۱۰-۲۱۲
  - ۲.۴. مراتب وجودی انسان.....۲۱۲-۲۱۳
  ۵. انسان کامل از نظر سنایی و خاقانی.....۲۱۴-۲۱۷
  ۶. ویژگی‌های انسان از نظر سنایی.....۲۱۷-۲۲۰
  ۷. ویژگی‌های انسان از نظر خاقانی.....۲۲۰-۲۲۴
- بخش چهارم: بررسی مفهوم عشق در اندیشه‌ی سنایی و خاقانی.....۲۲۵-۲۲۹
  ۱. رابطه‌ی حُسن و عاشقی.....۲۲۶-۲۲۸
  ۲. تقابل عقل و عشق در شعر سنایی و خاقانی.....۲۲۸-۲۲۹
  ۳. عشق، راهی پرخطر.....۲۲۹-۲۳۰

۲۳۰-۲۳۱	.....	۴. اوصاف عشق
۲۳۲	.....	۵. رابطه‌ی عاشق و معشوق
۲۳۴-۲۳۵	.....	نتیجه گیری
۲۳۶-۲۳۸	.....	پی نوشت ها
۲۳۹-۲۷۰	.....	فهرست ها
۲۴۰	.....	• آیات
۲۴۱-۲۴۲	.....	• احادیث
۲۴۳-۲۴۶	.....	• اعلام (نام کسان)
۲۴۷	.....	• مکان ها
۲۴۸-۲۴۹	.....	• اصطلاحات عرفانی
۲۵۰-۲۷۰	.....	• کشف الایات
۲۷۱-۲۸۲	.....	منابع و مآخذ

## مقدمه:

### بیان مسأله و ضرورت پژوهش:

در عرصه‌ی ادب فارسی و بویژه شعر، شاعران توانا و صاحب ذوق فراوانی ظهور یافته‌اند که در ترویج و تثبیت فرهنگ و آیین ایرانی اسلامی نقش بسزا و مهمی داشته‌اند. ما به این شاعران و ادیبان خود افتخار می‌کنیم؛ چرا که درخشان‌ترین چهره‌های تاریخ ما از آن شاعران و آفرینندگان آثار ادبی است. شاعران زندگی اجتماعی زمان خود را با همه‌ی پیچیدگی و گستردگی و ابهام در آثار و اشعار خود منعکس ساخته‌اند. اگر در آثار دوره‌ای خاص صفاتی هم‌چون بدبینی، عدم اعتماد به دیگران، بی‌اعتنایی به مصالح اجتماعی، انزواجویی، شکایت و... وجود دارد، ریشه‌ی آن‌ها را باید در عوامل اجتماعی و سیاسی آن دوره بررسی کنیم.

بدیهی است برای شناخت هر شاعر، پی بردن به زندگی و عصر او، عوامل مؤثر در تربیت و فکر و اختصاصات زبانش و بسیار مبادی دیگر، در حد لزوم فایده دارد.

یکی از مهم‌ترین منابع بررسی اندیشه‌ی یک شاعر، مراجعه به اشعار و آثار او، در کنار آن‌ها، بررسی زندگانی، زمانه و محیط وی و تأثیر متقابل هر یک از آن‌ها بر یکدیگر است که همه‌ی آن‌ها می‌توانند به طور قطع بر یکدیگر تأثیرگذار باشند.

**سنایی و خاقانی**، دو تن از نام‌آوران بزرگ ادب فارسی است. این دو از شاعران نوآور ادب فارسی هستند که هر یک به نوبه‌ی خود تغییر و تحولی در شعر به وجود آورده‌اند و با سرودن اشعاری در موضوعات مختلف سهمی بسزا در کمال زبان و ادب فارسی داشته‌اند.

**سنایی**، نخستین شاعری است که مفاهیم عرفانی، کلامی، اخلاقی و دینی را وارد حوزه‌ی شعر کرده و شیوه‌ی تازه‌ای را که پیش از او در شعر فارسی نبوده، بنیان نهاده است. او با وارد کردن مفاهیم عرفانی و کلامی و استفاده از آیات و احادیث و عبارات و اقوال بزرگان تصوف روشی را پایه‌گذاری کرده که سرمشق شاعران

بعد از خود شده است. سنایی تغییراتی در غزل، قصیده و مثنوی ایجاد کرد. او مخترع غزل عرفانی، قصاید توحیدی و مثنوی اخلاقی و زهدی در ادب فارسی است. خاقانی از شهسواران میدان سخن، معنی‌پردازان و ترکیب‌سازان نوآور ادب فارسی است که در میان شاعران ایران زمین به دشواری سخن و پیچیدگی کلام مشهور است و دیوان او پر است از ترکیبات نو و بدیع که برساخته‌ی ذهن خلاق خود اوست.

با توجه به موارد بالا می‌توان نتیجه گرفت، که در صورتی که افرادی مثل سنایی و خاقانی و بخصوص سنایی، از صحنه‌ی ادبیات فارسی حذف می‌شدند و در راه اعتلای ادبیات فارسی با تدوین چنین آثاری گام بر نمی‌داشتند، به راستی امروز حلقه‌ی گمشده‌ای در ادب فارسی خواهیم داشت. از این جاست که اهمیت کار این بزرگان در زمینه‌ی حفظ زبان فارسی و پدید آوردن آثاری سترگ معلوم می‌شود.

در فصل‌های بعد به معرفی سنایی و خاقانی به طور کامل پرداخته و شعر و اندیشه‌های آن‌ها را در زمینه‌های مختلف نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد و گوشه‌هایی از جهان‌بینی این دو را بر خواهیم شمرد. برآنیم تا به مقایسه‌ی آثار، شخصیت و اندیشه‌های آنان بپردازیم. گرچه شاید در نگاه نخست بین این دو شباهت و همانندی وجود نداشته باشد؛ برخلاف این عقیده باید گفت از آنجایی که خاقانی خود را بدل از سنایی دانسته؛ پس بین اندیشه‌های آنان می‌توان به شباهت و تفاوت‌هایی دست یافت؛ بنابراین در قسمت‌های بعد سعی خواهد شد که به بیان وجوه تشابه شعر و اندیشه‌ی این دو شاعر پرداخته شود و در خلال کار به تفاوت‌های آنان نیز اشاره گردد، تا زمینه‌ی شناخت اندیشه‌ها و جهان‌بینی این بزرگواران فراهم آید.

### پیشینه‌ی پژوهش:

شناخت شعر و اندیشه‌ی بسیاری از شاعران همواره یکی از مهم‌ترین و مفیدترین راه‌های شناسایی شیوه‌ی شاعری، شرایط زندگی، روحیات و سبک شعری شاعر محسوب می‌شود. سنایی و خاقانی در این راستا، بسیار مورد توجه نویسندگان و ناقدان سخن قرار گرفته‌اند و از زوایای مختلف به شعر و سبک ایشان نگریسته شده است. در هر صورت آنچه قابل توجه به نظر می‌رسد این است که در زمینه‌ی مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی سنایی و خاقانی، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش مستقل و مفصلی به عمل نیامده است. پژوهش‌های سودمند و در عین حال کلی و پراکنده‌ای موجود است که یا درباره‌ی سنایی شناسی و خاقانی شناسی است و یا بررسی شعر و ابعادی از اندیشه‌ی آنان را مورد بررسی قرار داده است.

نگارنده‌ی این سطور بر آن است تا با بررسی و مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی سنایی و خاقانی به شناخت شعر و اندیشه‌ی پردازد و سبک شعری و دنیای اندیشه‌ی این دو شاعر را باز نماید.

## اهمیت و ضرورت پژوهش:

سنایی و خاقانی از شعرای طراز اول و تأثیرگذار در ادب فارسی بوده‌اند. مقلدان بسیار داشته‌اند و بسیاری از شاعران به پیروی و تتبع شیوهی اینان، روی آورده‌اند. تحقیق در باب شعر ایشان علاوه بر کمک به فهم بیشتر شعر و اندیشه‌ی ایشان، به شناخت شعر دیگر شاعران نیز کمک می‌کند. مقایسه‌ی شعر و اندیشه‌ی این دو شاعر بسیاری از مضامین و درون‌مایه‌هایی که محتوای شعر آنان را شکل داده، بهتر و بیشتر به ما نشان می‌دهد.

## پرسش‌های پژوهش:

- ۱- سنایی از چه کسانی تأثیر پذیرفته و بر چه کسانی تأثیر گذاشته است؟
- ۲- خاقانی از چه کسانی تأثیر پذیرفته و بر چه کسانی تأثیر گذاشته است؟
- ۳- تفاوت‌ها و شباهت‌های موسیقایی شعر در نزد سنایی و خاقانی چگونه بوده است؟
- ۴- تفاوت‌ها و شباهت‌های صور خیال چه جایگاهی در شعر این دو شاعر داشته است؟
- ۵- اندیشه‌های عارفانه و شیوه‌ی شاعرانه و مضامین مدحی و مضمون عشق در شعر خاقانی و سنایی و نوآوری‌های آنان در شعر چگونه بوده است؟
- ۶- اندیشه‌های دینی در نزد خاقانی و سنایی بر چه اساسی بوده است؟

## فرضیات پژوهش:

- ۱- سنایی از آیات و احادیث فراوانی بهره گرفته است و با مطالعه شعر او می‌توان به ارادت او به اهل بیت (ع) بویژه حضرت محمد (ص) و حضرت علی (ع) پی برد.
- ۲- خاقانی نیز از آیات و مضامین قرآنی بسیاری بهره گرفته است و شعر او آمیخته با اعتقاد درونی اوست؛ آن چنان که وقتی در قصاید خود ازسفر حج و مرقد نبی اکرم (ص) سخن به میان می‌آورد چنان زیبا آیات و مضامین قرآن را به کار می‌گیرد که هر شنونده‌ای را به خود جذب می‌کند.
- ۳- خاقانی در دیوان خود از شگردهای زبانی و موسیقایی خصوصاً واج آرایی، ترکیبات بدیع، زبان مجازی، توجه به انواع موسیقی درونی، بیرونی، معنوی و کناری بهره جسته است که از این لحاظ مورد بررسی است.

۴- **خاقانی** با استفاده از صور خیال تصویرهای شعری بسیار زیبایی در دیوانش مخصوصاً در قصایدش آفریده و این تصاویر زیبا نشأت گرفته از ذهن خلاق اوست. صورخیال سنایی شامل تشبیه‌های ساده و صورخیال خاقانی با استفاده از استعارات پیچیده می‌باشد.

۵- عشق مورد نظر **سنایی**، عشق الهی و آسمانی است که با وجود عاشق پیوند خورده و تا ابد با او خواهد بود. از نظر وی عشق و عاشق و معشوق سه ذات جداگانه نیستند؛ بلکه هر سه یک حقیقت اند. سنایی معتقد است عشق بدون چون و چرا بر عقل برتری دارد و به نظر وی عاشقی بسته به فرد نیست و راه توحید را با عقل نمی‌شود پیمود.

۶- **سنایی** اوّل شاعری است که افکار صوفیانه و گفتار مشایخ را با شعر در آمیخته و سخنان بلند و معانی دلپسند را به صورت جلوه داده است. شعر او بویژه در حدیقه و بسیاری از قصایدش پر از معارف و حقایق عرفانی و حکمی است و اندیشه‌های زاهدانه و عظم و ترک و تمثیلات تعلیمی را ارج می‌نهد و توصیه می‌کند. در این شیوه مبتکر است و از کسی پیروی نکرده، سنایی افکار صوفیانه را با معانی عالی اخلاقی و اندیشه‌های دینی در هم آمیخت و در قالب شعر به بهترین عبارت‌ها به نظم آورد. در شعر **خاقانی** نیز ستایش پیامبر و کعبه زمینه‌ای گسترده از سخن او را در بر می‌گیرد. بلندترین و شیوا ترین ستایش‌ها از این دو در پهنه‌ی ادب فارسی از آن اوست

### روش کار:

این رساله با توجه به این‌که در حوزه‌ی علوم انسانی جای دارد و بیشتر پژوهش‌های علوم انسانی، بنیادی هستند و بیشتر پژوهش‌های بنیادی، از روش کتابخانه‌ای استفاده می‌کنند؛ بنابراین، روش این رساله نیز، از این امر مستثنی نمی‌باشد. در این روش، ابتدا به یادداشت برداری از کتاب‌ها و برخی رساله‌ها و مقالات معتبر و مرتبط با موضوع اقدام شده، سپس نگارش پایان‌نامه آغاز گردیده است.

### ساختار پایان‌نامه:

این رساله در پنج فصل و هر فصل در چندین بخش تدوین شده است: فصل اوّل مقدمه گونه‌ای است برای ورود به مبحث اصلی. شناخت و بررسی احوال این دوشاعر. در فصل دوم به بیان اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی این دو تن پرداخته شده است؛ که در این زمینه پرداختن به اوضاع اجتماعی آن عصر، عاملی مؤثر در فهم اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی **سنایی** و **خاقانی** است. زیرا هر اثر هنری آینه‌ی تمام نمای اوضاع اجتماعی عصر خویش است. بنابراین؛ در این بخش ابتدا شرحی مختصر از

اوضاع سیاسی و اجتماعی آن عصر آورده شده و سپس درباره‌ی اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی هر کدام از این دو شاعر بحث شده است.

در بخشی دیگر از این فصل به اندیشه‌های عارفانه و دینی این دو پرداخته شده است. **سنایی** اولین کسی است که عرفان و اصطلاحات عرفانی را وارد شعر فارسی نمود و راه تازه‌ای را پیش روی شاعران دیگر قرار داد.

در فصل سوم به بررسی جریان‌های فکری و شعری حکیم **سنایی** و شاعر شروان پرداخته شده است؛ و این - که دو شاعر در چه اوضاع و احوالی نشو و نما یافته‌اند و این اوضاع و احوال چه تأثیری در اندیشه و شعر این دو داشته‌اند.

در فصل چهارم به تأثیر **سنایی** و **خاقانی** از شاعران پیشین و آثار مختلف و این که بر چه کسانی تأثیر گذاشته‌اند اشاره شده است. در بخش دیگر این فصل شعر آن دو را از حیث تفاوت‌های صورخیال، موسیقی مورد توجه و بررسی قرار گرفته است و در پایان هر بخش نتایج به دست آمده از مقایسه عرضه می‌گردد. در بخشی دیگر به مقایسه‌ی نگرش عارفانه - شاعرانه‌ی **سنایی** و نگرش شاعرانه‌ی **خاقانی** پرداخته‌یم. بخش آخر این فصل به بررسی مضامین مدحی در شعر این دو شاعر می‌پردازد که در این بخش که رابطه‌ی دو شاعر با شاهان هم اشاره شده است.

در نهایت فصل آخر به بررسی چهار مفهوم خدا، هستی، انسان و عشق اختصاص یافته است. در نگارش این پایان‌نامه از کتاب آیین نگارش و ویرایش دکتر غلامحسین غلامحسین‌زاده بهره برده‌ایم.



فصل اوّل:

بخش اوّل: شرح احوال سنایی

بخش دوم: شرح احوال خاقانی

بخش اول:

### شرح احوال سنایی

بس که شنیدی صفت روم و چین

خیز و بیا ملک سنایی ببین

(سنایی، ۱۳۸۵: ۵۴۵).

ابوالمجد مجدود بن آدم سنایی غزنوی، شاعر عالی قدر و عارف بلند مقام قرن ششم هجری قمری و از استادان مسلم شعر فارسی است که در اواسط یا اوایل نیمه‌ی دوم قرن پنجم هجری قمری در غزنین دیده به جهان گشود (ر.ک: صفا، ۱۳۷۳ / ۲: ۵۵۲). تاریخ تولد او به درستی معلوم نیست؛ برخی سال ۴۶۳ ه.ق (ر.ک: مدرّس رضوی، ۱۳۸۵: ۳۴) و عده‌ای سال ۴۶۷ ه.ق (ر.ک: شفیع کدکنی، ۱۳۸۸: ۱۴) را سال تولد وی دانسته‌اند. اهمّیت ویژه‌ی سنایی به واسطه‌ی تغییر و تحوّل است که وی در مسیر شعر فارسی به وجود آورد و عنوان پدر ادبیات عرفانی را به خود اختصاص داد (افراسیاب پور، ۱۳۸۸: ۲۴). به نظر می‌رسد سنایی از خاندانی اصیل و شریف بوده است؛ این دریافت از آن رو است که وی در اشعارش، با افتخار از نژاد و اصل خود سخن به میان آورده است:

من ثناگوی توام زیرا نژادم نیست بد      خود نکو گوی تو باشد هر که نبود بد نژاد

(سنایی، ۱۳۸۵: ۷۴۵).

کم آزار و بی‌رنج و پاکیزه عرضم      که پاکست الحمدالله نژادم

(سنایی، ۱۳۸۵: ۳۶۱).

«پدرش، آدم، مردی بابرّه از معرفت بود و از نژاد بزرگان و آزادگان بود که در دیوان غزنه شغل مهمّی داشت و با ادیبان و عالمان و قضات نشست و برخاست می‌کرد؛ اما از مکتب بهره‌ی نداشت» (ایاضی، ۱۳۸۹: ۲۸).

حکیم سنایی در *کارنامه‌ی بلخ* پدر خود را اهل قرآن معرفی کرده است. وی این مهم را بهترین وسیله برای نیل به این مقصود می‌داند که اهل قرآن، دبیر و چاکر وی باشند:

دوران کودکی و جوانی او در غزنین گذشت. وی در همان جا به تحصیل علوم زمانه پرداخت و در تمام علوم و معارف زمانه اعم از ادبیات، فقه، حدیث، تفسیر، طب، نجوم، و حکمت و کلام به درجه‌ی والایی دست یافت. وجود اصطلاحات علوم مختلف از قبیل فلسفه، کلام، حدیث، طب و... در آثار وی نشان دهنده‌ی آشنایی او با این علوم است (ر.ک: شفيعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۴). سنایی هم‌چنین به زمین‌شناسی، گیاه‌شناسی و جانورشناسی نیز علاقه‌ای وافر داشت و متناسب با دانش آن عصر با اصطلاحات علمی و دقیق آن‌ها آشنا بود. او حتی به معماری و موسیقی احاطه داشت و از آن‌ها بهره برده بود. وی بیش از همه به علم کلام، حکمت، عرفان و تصوّف گرایش داشت و در این علوم صاحب نظر نیز بوده است (ر.ک: افراسیاب‌پور، ۱۳۸۸: ۲۵).

سنایی پس از پیشرفت در شاعری و کسب مهارت در این فن، مانند دیگر شاعران، روی به دربار نهاد و به دستگاه غزنویان راه یافت. وی در آغاز کار، شاعری درباری بود و به مدیحه‌سرایی می‌پرداخت، ولی ممدوحان چنان‌که باید موجبات رضایت او را فراهم نمی‌آوردند (صفا، ۱۳۷۳: ۲/۵۵۳) و وی از راه مدّاحی چنان‌چه باید و شاید پاداشی به دست نمی‌آورد؛ بدین ترتیب «ناهنجاری‌های بیرونی، او را به هنجار می‌آورد تا سنایی دیگری بسازد» (فتوره‌چی، ۱۳۸۴: ۲۱). سنایی در چنگال آز گرفتار و اسیر بود تا این‌که به یکباره، خرسندی پرده از روی زیبای خود برانداخت و از تصرف دیو آز رهایی یافت و جمال حق آن‌چنان وی را شیدای خویش ساخت که دست از جهان و جهانیان بشست (صفا، ۱۳۷۳: ۲/۵۵۳). پیرامون این‌که چه عاملی موجب این تحوّل روحی شد، در کتاب‌های تاریخ و شرح احوال شاعران، افسانه‌هایی نقل شده است؛ عدّه‌ای برآنند که این تحوّل روحی، در غزنین رخ داده، سبب دگرگونی شاعر را کنایه‌ای دانسته‌اند که مجذوبی درباری وی گفته است (ر.ک: بشیر، ۱۳۵۶: ۳۶). جامی در *نفحات الانس* آن را چنین روایت می‌کند:

«سلطان محمود سبکتکین (م ۵۴۲۱ ه.ق) در فصل زمستان به عزیمت گرفتن بعضی از دیار کفّار، از غزنین بیرون آمده بود و سنایی در مدح وی قصیده‌ای گفته بود. می‌رفت تا به عرض رساند. به در گلخن رسید که یکی از مجذوبان و محبوبان که از حدّ تکلیف بیرون رفته و مشهور بود به «لای خوار» زیرا که پیوسته لای شراب خوردی، در آن جا بود. آوازی شنید که با ساقی خود می‌گفت که: «پر کن قدحی به کوری محمودک سبکتکین تا بخورم!» ساقی گفت: «محمود مرد غازی است و پادشاه اسلام!» گفت: «بس مردکی ناخشنود است. آنچه در تحت حکم وی درآمده است در حیّز ضبط، نه درآورده می‌رود تا مملکت دیگر بگیرد». یک قدح گرفت و بخورد. باز گفت: «پر کن قدحی دیگر به کوری سنائیک شاعر!» ساقی گفت: «سنایی مردی فاضل و

لطیف است». گفت: «اگر وی لطیف طبع بودی به کاری مشغول بودی که وی را به کار آمدی. گزافی چند در کاغذی نوشته که به هیچ کار وی نمی‌آید و نمی‌داند که وی را برای چه کار آفریده‌اند» (جامی، ۱۳۷۰: ۵۹۳).

**سنایی** چون آن بشنید، حال بر وی متغییر گشت و به تنبیه آن لای خوار از مستی غفلت هشیار شد و پای در راه نهاد و به سلوک مشغول شد.

این داستان را، مشهورترین علت تحول روحی شاعر دانسته‌اند؛ این درحالی است که بسیاری از سخن‌شناسان ادب فارسی آن را رد کرده‌اند؛ زیرا سنایی تا آخر عمر پا به پای اشعار عرفانی خویش، اشعار مدحی نیز سروده است و سبب تحول درونی او را غیر از این می‌دانند.

**شفیعی کدکنی** معتقد است که «علت به وجود آمدن این داستان در پیرامون زندگی سنایی این بوده است که خوانندگان اهل و آشنای عالم شعر، از دوگانگی شخصیت سنایی و دوگونگی شعر او، در شگفت بوده‌اند و برای این که توجیهی فراهم آورند، این داستان را بر ساخته‌اند، در صورتی که سنایی تا پایان عمر، میان دو عالم عرفانی و غیر آن در نوسان بوده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۵: ۱۶).

**اشرف زاده** نیز این داستان را از بر ساخته‌های صوفیان بعد از وی می‌داند و معتقد است «رسیدن به این نقطه که لاف و گزافی چند فراهم آوردن و نام آن را شعر گذاشتن در خور مردان عشق نیست» (اشرف زاده، ۱۳۷۴: ۸)؛ البته داستان دیگری را نیز در تحول روحی سنایی دخیل دانسته‌اند؛ مؤلف **مجالس العشاق** پس از ذکر داستان لای‌خوار و حکیم سنایی و حکایت منزوی شدن و اعراضش از آمیزش با اهل دنیا، برای سنایی معشوقی تراشیده و در وصف هجران و وصالش داستانی پرداخته، وی را دل‌بسته‌ی قصاب پسری نشان داده است. داستان از این قرار است:

هنگامی که قصاب پسر، متوجه شد که حکیم در عشق او بی‌تابی می‌کند، برای امتحان که معلوم کند در عشق او صادق است یا کاذب، پانصد سر گوسفند از او طلبید. حکیم خوارزم از معتقدان حکیم بود و حکیم برای این که گوسفندان را به دست آورد راهی خوارزم شد، ولی پیش از عزیمت کفش کهنه‌ی خود را به پسر قصاب می‌سپارد. بعد از این که سنایی باز می‌گردد و گوسفندها را به پسر تحویل می‌دهد و کفش خود را از او می‌طلبد، پسر همان روز اول کفش را گم کرده بود. جمعی از حاسدان به سنایی می‌گویند: کسی که کفشی که به غایت مختصر است، نگاه نداشته باشد، دلی که صد برابر بحر و بر است، چون نگاه خواهد داشت (گازرگاهی، ۱۳۷۶: ۳۰۶).

**همایون سرور** معتقد است که منظور مؤلف **مجالس العشاق** از جعل این داستان، این بوده است که انقطاع و انزوای حکیم را از مردم روزگار به صورت مادی‌تر نشان دهد (ر.ک: سرور، ۱۳۵۶: ۳۹).